

ولایت فقیه در نگاه عقل

سیدعلی موسوی

آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرماید:
۱. ولایت بر اموال و اعراض و نفوس مردم از شئون ربوبیت الهی است و تنها با نصب و اذن خدای متعال برای دیگران مشروعیت می‌یابد و چنان‌که معتقدیم این قدرت قانونی به پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) داده شده است.

۲. در زمانی که مردم عملاً از وجود رهبر معصوم محرومند، یا باید خدای متعال از اجرای احکام اسلامی صرف نظر کند، یا اجازه آن به کسی که اصلح از دیگران است، داده شود تا ترجیح مرجوح به نقض غرض و خلاف حکومت لازم نیاید و باتوجه به باطل بودن غرض اول، فرض دوم ثابت است، یعنی ما از راه عقل کشف می‌کنیم که چنین اذن و اجازه‌ای از طرف خدای متعال به اولیای معصوم صادر شده است، حتی اگر بیان خاص و روشنی در این خصوص نرسیده باشد. فقیه جامع‌الشرایط همان فرد اصلی است که هم احکام اسلامی را بهتر می‌شناسد و هم صلاحیت اخلاقی بیشتری برای اجرای آن‌ها دارد و هم در تأمین مصالح جامعه و تدبیر امور مردم کارآمدتر است.^۵

منابع:

۱. برگرفته از کتاب ولایت و دیانت، از استاد مهدی هادوی تهرانی، صفحه ۲۲، مؤسسه فرهنگی خانه خرد
۲. با تصرف از کتاب ولایت و دیانت، از استاد مهدی هادوی تهرانی، صفحه ۹۵، مؤسسه فرهنگی خانه خرد
۳. کتاب شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه میحبت ولایت فقیه از کتاب البیح حضرت امام خمینی(ره) صفحه ۲۴۳، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
۴. برگرفته از کتاب نظام معقول تحلیل مبنایی نظام ولایت فقیه با نگاهی به نظرات منتقدین، از علیرضا پیروزمند، صفحه ۲۹ - ۳۰، انتشارات کیهان
۵. همان، صفحه ۶ - ۱۵۷، انتشارات کیهان

بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد.^۲

کوتاه سخن:

۱. اسلام دین جامع و کاملی است و تمام مسلمین در این مورد اتفاق دارند.
۲. احکام اسلام به دلیل جامعیت، محدود به امور فردی نیست، جامعیت و کامل بودن دین ایجاب می‌کند که در تمام اموری که به سعادت و شقاوت مردم می‌انجامد، تکلیف پیروان خود را مشخص نموده باشد.
۳. در عصر غیبت اجرای احکام تعطیل‌بردار نیست و اجرای احکام نمی‌تواند محدود به زمان حضور نبی(ص) یا امام معصوم(ع) بوده باشد، زیرا رسالت دین محدود به زمان حیات پیامبر و امامان نیست.
۴. نتیجه آنکه برای اجرای احکام، احتیاج به حاکم دینی است.^۴

• ادله عقلی از منظر بزرگان

مرحوم صاحب جواهر (ره) که از فقهای بزرگ و به‌نام شیعه در عصر حاضر است، دلیل عقلی خود را بر ولایت فقیه با ذکر سه مقدمه بدین‌گونه بیان می‌دارد:

- ۱- امور شیعیان در عصر غیبت به هرج و مرج و اغذار نشده است و جامعه باید انتظام داشته باشد و چنین نباشد که زورمندان در جامعه غلبه یابند.
 - ۲- علاوه بر آنکه نظم باید الهی باشد، نظم باید مبتنی بر قسط و عدل نیز باشد.
 - ۳- قانون الهی را باید قانون‌شناسی که خود به قانون عمل می‌کند، اجرا کند و چنین کسی فقط فقیه اهل بیت می‌تواند باشد.
- حضرت امام خمینی(ره) می‌فرماید: از عقل و نقل متفقند که والی باید عالم به قوانین در میان مردم و در اجرای احکام عادل باشد. بنابراین مسأله حکومت به فقیه عادل و گذشته می‌شود و هم اوست که صلاحیت ولایت مسلمین را دارد.

اسلام، دینی عقلانی است، از این‌رو منعی برای سیاست نیز محسوب می‌شود. اسلام به عنوان دینی که آمده تا راه سعادت را برای بشر در طول تاریخ روشن کند: نمی‌تواند نسبت به امری چون حکومت، ساکت و بی‌تفاوت باشد. از سوی دیگر، ساخت و بافت احکام اسلامی به گونه‌ای است که اسلام بدون حکومت نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.^۱

ولایت فقیه را می‌توان با استناد به دلایل عقلی و روایی و قرآنی اثبات نمود.

• دلایل عقلی

الف) جامعه به رهبر و زمامدار نیاز دارد و مسائل حکومتی اموری نیست که از حوزه دین خارج باشد. از این‌رو عقل نه تنها در دخالت دین در زمینه زمامداری منعی نمی‌بیند، بلکه به مقتضای حکومت به ضرورت آن اصرار می‌ورزد. حال اگر حکومت را از منظر دین نگاه کنیم و وظیفه اصلی آن را صیانت از ارزش‌های الهی و آرمان‌های اسلامی و احکام شرعی بدانیم، بر قله آن حکومت، زمامدار آگاه به احکام الهی و وظایف دینی قرار می‌گیرد.^۲

به دیگر سخن، احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی تا روز قیامت باقی و لازم الاجراست و اجرای احکام الهی جز با برپایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.

از سوی دیگر، حفظ نظام جامعه و صیانت مرزهای کشورهای اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران عقلا و شرعاً واجب است و تحقق این امور جز با تشکیل حکومت اسلامی میسر نمی‌گردد.

آیا می‌توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، در عصر غیبت حضرت حجت(عج) امت اسلامی را به حال خود رها کرده، تکلیفی برای آنان معین نکرده باشد؟ آیا خردمندان است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج میان مسلمین و پریشانی احوال آنان رضا داده است؟

آری، لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز